

نقد و بررسی کد جزای افغانستان ۱۳۹۶ دکتر غلام حیدر علامه^۱

چکیده

قانون‌گذار پس از گذشت ۴۱ سال از تدوین قانون جزای افغانستان، سند جدیدی را زیر عنوان «کد جزا» به تصویب رساند. گذشت زمان طولانی، قانون سابق را که به دلیل جنگ‌های داخلی مجال اصلاح آن نبود، به شدت کهنه و فرسوده ساخته بود. گویا مردم افغانستان چهل سال از پیشرفت حقوق جزا پس مانده بودند و با اندیشه‌های جزایی عقب‌مانده، با جرم و مجازات‌ها برخورد می‌کردند.

قانون جدید نوآوری‌های زیادی را با خود دارد. جدیدترین جرایم که بر اثر فن‌آوری‌های عصر بروز کرده‌اند، در این متن گنجانده شده‌اند؛ اصول راهبردی حقوق جزا در آن منعکس شده؛ جنایات بین‌المللی که سال‌ها مردم افغانستان قربانی آن بوده‌اند، در آن آمده؛ جرایم انتخاباتی که در چندین دوره، انتخابات ما را دچار چالش کرده بود، جرم‌انگاری شده؛ جرم، مجازات، مجنی‌علیه و احکام مسئولیت جزایی در آن به خوبی تعریف و تشریح گردیده؛ بدیل‌های حبس به طور مشروح بیان شده و جرایم علیه اطفال و اذیت و آزار اطفال و زنان در آن جای داده شده است. البته کد جزا خالی از ضعف هم نیست و کمبودها و کاستی‌هایی هم در آن به نظر می‌آید. این نوشتار این سند تقنینی را نقد و بررسی می‌کند.

کلیدواژگان

قانون، کد جزا، اصول راهبردی، حقوق کیفری، افغانستان.

۱. معاون تحقیق دادستانی (سارنوالی) و استاد دانشگاه.

مقدمه

قانون جزای افغانستان در سال ۱۳۵۵ در زمان حکومت داوود خان به تصویب رسیده بود. این قانون در زمان خودش یکی از بهترین قوانین جزایی منطقه به شمار می‌رفت، اما گذشت حدود چهل سال از عمر این قانون، آن را بیش از حد کهنه، فرسوده و قدیمی ساخته بود. به همین دلیل، اجرای آن در وضعیت فعلی افغانستان با چالش‌ها و مشکلاتی همراه بود. نگارنده یازده سال پیش در نوشتاری به نکات ضعف این قانون به ویژه از منظر رعایت اصل قانونی بودن جرایم و مجازات‌ها به طور مفصل اشاره کرده بود که علاقه‌مندان می‌توانند به آن مراجعه کنند. از جمله کمبودهای عمده این قانون می‌توان چنین یاد کرد:

یک) وجود ایرادهای اساسی در تبیین عناصر مادی و معنوی جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی دولت؛

دو) تعریف نشدن جرم؛

سه) تعریف نشدن مجازات؛

چهار) تناسب نداشتن بین جرم و مجازات در برخی موارد: مجازات فریب‌کاری صرفاً حبس قصیر تعیین شده، در حالی که در جرم فریب‌کاری ممکن است میلیون‌ها افغانی یا اسعار خارجی دیگر تصاحب شود و این مقدار مجازات اصلاً متناسب نیست؛

پنج) خلط بین مفهوم شریک و معاون؛

شش) وجود ایرادهای اساسی در بیان مصادیق اسباب اباحت؛

هفت) وجود جریمه‌های نقدی برای جرایم که بر اثر گذشت زمان طولانی از تصویب قانون، آن‌ها در شرایط فعلی به شدت ناچیز و کم‌بها جلوه می‌کردند و نمی‌توانستند کیفرهای متناسب با جرم مربوط باشند؛

هشت) تعیین حداقل حبس به ۲۴ ساعت که زمان آن بسیار کوتاه است و نه تنها هدف مجازات برآورده نمی‌شود، بلکه چه بسا آثار زیان‌بار داشته باشد. این در حالی است که صرف دوره نظارت پولیسی در قوانین فعلی ۷۲ ساعت است و این امر به نوعی تناقض بین مجازات اصلی و تدابیر احتیاطی را نشان می‌دهد؛

نه) ابهام در جرم تحریک به فسق و فجور (ماده ۴۳۰)؛

ده) تعریف نشدن جرم غصب (ماده ۴۵۴): وقتی به معنای فقهی این کلمه مراجعه

می‌کنیم، غصب زمین در ذهن تبادر می‌کند، اما چون این کلمه در این ماده در کنار سرقت ذکر شده است. منظور قانون‌گذار از آن «زورگیری» است. قانون‌گذار بدون آن‌که راجع به غصب توضیح دهد، فقط در عنوان ماده از این موضوع نام می‌برد و بعد در ادامه، احکام سرقت را بیان می‌کند و می‌گذرد و فراموش می‌کند که گویا در عنوان از چیزی به نام غصب هم یاد کرده است.

کهنه و قدیمی شدن این قانون و ضعف‌ها و مشکلات عملی به وجود آمده بر اثر آن باعث شد دولت افغانستان به فکر اصلاح اساسی این قانون بر آید. از سوی دیگر، تدوین اسناد تقنینی متعدد و متفرق جزایی در طول سال‌های گذشته سبب شده بود که در یک موضوع خاص، قوانین مختلف احکام متداخل، تکراری و چه بسا متناقضی را بیان کرده باشند. این امر، مشکلی را بر مشکلات افزوده بود.

به منظور حل مشکلات فوق، در سال ۱۳۹۱، دولت وقت طی فرمانی، کمیسیونی را موظف کرد تا کد جزایی واحدی را که تمامی احکام جزایی در یک قانون گردآوری شده باشد، تهیه کند. این تصمیم، اقدامی ارزنده و تاریخی محسوب می‌شد که می‌توانست خدمت بزرگی به شهروندان افغانستان به شمار رود و افراد دیگر مجبور نباشند برای پیدا کردن فهرست جرایم و احکام آن‌ها در قوانین پراکنده سرگردان شوند که برخی از آن‌ها حتی قابل دست‌یابی هم نبودند. در این آشفته‌بازار حتی کار به جایی رسیده بود که مردم مطابق قوانینی مجازات می‌شدند که در معنای دقیق حقوقی، نسخ شده بودند و اصلاً اعتبار نداشتند و محصول حکومت‌های کودتایی یا موقت بودند. برخی از آن جرایم حتی خلاف قانون اساسی نافذ بودند. کمیسیون مذکور متشکل از نمایندگان وزارت‌خانه‌ها و ارگان‌های عدلی و قضایی به سرپرستی محترم اشرف رسولی و به همکاری برخی نهادهای خارجی از قبیل دفتر ملل متحد برای مبارزه با جرم و مواد مخدر، پولیس اتحادیه اروپا و سازمان امریکایی جی‌اس‌اس‌پی کار خویش را آغاز کرد. در اواسط سال ۱۳۹۱ از این جانب هم دعوت به عمل آمد که در این کمیسیون مشارکت کنم و من هم با افتخار آن را پذیرفتم و تا اوایل سال ۱۳۹۳ همکاری بنده ادامه داشت. بالاخره کمیسیون مذکور در زمستان سال ۱۳۹۵ با تهیه نهایی این سند تقنینی، کار خویش را به انجام رساند. در این نوشتار، به اختصار نقاط قوت و ضعف کد جزایی تهیه شده را بررسی می‌کنیم.

الف) نکات مثبت کد جزایی

۱. تعریف جرم (ماده ۲۵)

جرم، ارتکاب عمل یا امتناع از عملی است که مطابق احکام این قانون، جرم شناخته شده و عناصر آن مشخص و برای آن، مجازات یا تدابیر تأمینی تعیین گردیده باشد. این در حالی است که در قانون جزای سابق، جرم تعریف نشده بود.

۲. تعریف جزا (ماده ۱۳۱)

جزا عبارت از مؤیده‌ای است که در قانون برای اعمال جرمی پیش‌بینی شده است و از طرف محکمه در مورد مرتکب با رعایت اساسات این قانون حکم می‌شود. در قانون جزای سابق، جزا تعریف نشده بود.

۳. تعریف مجنی‌علیه (بند ۱۵ ماده ۴)

مجنی‌علیه شخصی است که به اثر ارتکاب جرم، صدمه یا ضرر اخلاقی، جسمانی، مادی یا معنوی به وی عاید شده باشد. در قانون جزای سابق، مجنی‌علیه تعریف نشده بود.

۴. مشخص ساختن اشخاص دارای مصونیت بین‌المللی (بند ۸ ماده ۴)

اشخاص دارای مصونیت بین‌المللی عبارتند از: رئیس جمهوری، معاونین رئیس جمهوری، صدراعظم، وزیر، سفیر، سایر نمایندگان سیاسی، نمایندگان سازمان‌های بین‌المللی و بین‌الحکومتی و سایر اشخاصی که مطابق کنوانسیون ۱۹۶۹ و یانا در مورد مصونیت دیپلماتیک و کنوانسیون ۱۹۷۳ در مورد جلوگیری و مجازات جرایم علیه اشخاص مورد حمایت بین‌المللی دارای مصونیت بین‌المللی هستند، به شمول اعضای خانواده‌های آن‌ها.

۵. تعریف حکم قطعی (بند ۱۰ ماده ۴)

حکم قطعی حکمی است که:

طبق احکام قانون در محکمه ابتداییه یا استیناف نهایی شده باشد.

محکمه فرجام در مورد، حکم نهایی صادر نموده باشد.

ستره محکمه بعد از رسیدگی تجدید نظر در مورد، حکم صادر نموده باشد.

میعاد تقدیم شکایت یا اعتراض بر آن مطابق قانون منقضی شده باشد.

۶. تعریف اهمال، غفلت، بی‌احتیاطی و بی‌مبالاتی (بندهای ۱۱ تا ۱۴ ماده ۴)

اهمال: عبارت است از ترک عملی که باید انجام داده می‌شد، خواه از روی قصد باشد یا خطا.

غفلت: بی‌پروایی به نحوی که به عدم اجرای آنچه شخص مکلف به اجرای آن است، منتج گردد.

بی‌احتیاطی: عبارت است از انجام عملی که نباید انجام داده می‌شد، به نحوی که شخص به ترک آن توانایی داشته و بداند که عمل وی منجر به وقوع حادثه خواهد شد. بی‌مبالاتی: عبارت است از انجام ندادن عملی که باید انجام داده می‌شد، به نحوی که شخص به انجام دادن آن توانایی داشته و بداند که ترک فعل وی منجر به وقوع حادثه خواهد شد.

۷. بیان اصول راهبردی حقوق جزا زیر عنوان اصول و قواعد عمومی (مواد ۵ تا ۱۴) الف) براءت ذمه (ماده ۵)

براءت ذمه حالت اصلی است. شخص تا زمانی که به حکم قطعی محکمه باصلاحیت محکوم علیه قرار نگرفته باشد، بی‌گناه شناخته می‌شود.

ب) تساوی اشخاص در برابر قانون (ماده ۶)

مظنون، متهم و محکوم بدون نظر داشت تعلقات ملیتی، نژادی، زبانی، قبیله‌ای، دینی یا مذهبی، عقیده سیاسی، جنس، تحصیل، شغل، نسب، دارایی، موقف اجتماعی، محل سکونت و اقامت در برابر قانون از تساوی کامل برخوردار می‌باشند.

ج) قانونی بودن جرم و جزا (ماده ۷)

(۱) هیچ عملی جرم شمرده نمی‌شود، مگر به حکم قانونی که قبل از ارتکاب آن نافذ گردیده باشد.

(۲) هیچ جزایی را نمی‌توان تطبیق نمود، مگر این‌که در این قانون تصریح شده باشد.

(۳) هیچ شخصی را نمی‌توان مجازات نمود، مگر به حکم محکمه ذیصلاح، مطابق به

احکام قانون که قبل از ارتکاب فعل مورد اتهام نافذ گردیده باشد.

(۴) مجازات بالای مرتکب با نظر داشت سایر شرایط و احوال مندرج در این قانون،

متناسب با جرم ارتكابی تطبیق می‌گردد.

د) عدم گسترش محدوده جرم و جزا خارج از قانون جزا (ماده ۸)

(۱) تشخیص جرم و تعیین جزا براساس قیاس جواز ندارد.

(۲) جرم شمردن و تطبیق هر نوع جزا بر عملی که در این قانون جرم شناخته نشده و

برای آن جزا معین نشده باشد، جواز ندارد.

ه) شخصی بودن جرم و جزا (ماده ۹)

جرم عمل شخصی است و جزای مترتب بر آن به شخص دیگری سرایت نمی‌کند.
(و) **مسئولیت جزایی (ماده ۱۰)**

مسئولیت جزایی و تطبیق جزا به شخصی متوجه می‌گردد که با اراده آزاد و در حالت صحت عقل و ادراک، عمل جرمی را مرتکب شود.

(ز) **رعایت اصل کرامت انسانی (ماده ۱۲)**

(۱) تعیین جزای مخالف کرامت انسانی جواز ندارد.

(۲) تطبیق جزا بر مرتکب با رعایت کرامت انسانی صورت می‌گیرد.

(ح) **منع محاکمه مجدد (ماده ۱۳)**

(۱) شخصی که یک بار به خاطر ارتکاب یک جرم، در محاکم داخلی مورد محاکمه قرار گرفته و بالای وی حکم صادر شده باشد، به دلیل بروز دلایل جدید به خاطر ارتکاب همان جرم نمی‌توان مجدداً وی را مورد محاکمه قرار داد.

(۲) شخصی که یک بار به خاطر ارتکاب یک جرم در محاکم دولت خارجی یا بین‌المللی مورد محاکمه قرار گرفته و بالای وی حکم قطعی یا نهایی صادر شده باشد، مجدداً در رابطه به همان جرم در محاکم داخلی مورد محاکمه قرار گرفته نمی‌تواند.

(ط) **ردّ اصل مال و جبران خساره (ماده ۱۴)**

(۱) شخصی که مطابق احکام این قانون مجازات می‌شود، اگر از طریق جرم، مالی را به دست آورده باشد، به ردّ عین مال و اگر مال موجود نباشد، به ردّ مثل یا قیمت آن در روز وقوع جرم، به مالک محکوم می‌شود.

(۲) شخصی که به اثر ارتکاب جرم خساره‌ای را وارد ساخته باشد، علاوه بر مجازات معینه قانونی، به جبران خساره وارده نیز محکوم می‌گردد.

۸. **تعریف دقیق عنصر معنوی جرم (ماده ۳۶)**

عنصر معنوی جرم عبارت است از قصد جرمی، علم و آگاهی به جرم و نتیجه آن یا خطای جرمی.

۹. **تعریف دقیق انواع قصد جرمی (مواد ۳۸ تا ۴۱)**

(الف) **قصد توأم با اصرار قبلی (ماده ۳۸)**

قصد زمانی توأم با اصرار قبلی شمرده می‌شود که مرتکب قبل از ارتکاب جرم، برای اجرای آن برنامه‌ریزی نموده باشد. قصد توأم با اصرار قبلی ممکن است متوجه شخص معین یا غیر معین باشد.

ب) قصد آنی (ماده ۳۹)

قصد زمانی آنی پنداشته می شود که شخص بدون اتخاذ تصمیم قبلی، تحت تأثیر عوامل خارجی یا در نتیجه غضب آنی و هیجانات با اراده مرتکب عمل جرمی گردد.

ج) قصد معین (ماده ۴۰)

قصد زمانی معین پنداشته می شود که اراده مرتکب متوجه نتیجه معین باشد. فاعل جرم، نتیجه مشخص و معین عمل خود را پیش بینی نموده باشد.

د) قصد غیر معین (ماده ۴۱)

قصد زمانی غیر معین پنداشته می شود که اراده مرتکب متوجه نتیجه معین نباشد. مرتکب قصد عمل معین یا نتیجه معین را نداشته باشد.

۱۰. تفکیک واضح بین تعریف فاعل، شریک، معاون و سازمانده جرم (مواد ۵۵ تا ۵۸)

الف) فاعل جرم

(۱) فاعل، شخصی است که عمل مادی جرم را به تنهایی یا به اشتراک دیگران مرتکب شده باشد.

(۲) فاعل به جزای معینه جرم مرتکبه محکوم می گردد.

ب) شریک جرم

(۱) شریک، شخصی است که در ارتکاب یک یا چند عمل از اعمال مادی جرم، آگاهانه با فاعل سهیم باشد.

(۲) شریک به مجازات جرمی که در آن اشتراک نموده است، محکوم می گردد.

ج) معاون جرم

(۱) شخص در یکی از حالات آتی معاون جرم شناخته می شود:

۱. به ارتکاب یکی از اعمال تشکیل دهنده جرم، شخص را تحریک یا تشویق نماید و جرم به اثر همین تحریک یا تشویق واقع شود.

۲. به ارتکاب جرم با شخص دیگری موافقت نماید و جرم به اثر همین موافقت به وجود آید.

۳. فاعل جرم را به نحوی از انحا در اعمال تجهیزاتی یا تسهیلاتی ارتکاب جرم با داشتن علم به آن، کمک نماید و جرم در اثر همین کمک به وجود آید.

(۲) معاون به جزای یک درجه پایین تر از مجازات جرم مرتکبه محکوم می گردد، مگر

این که در این قانون طور دیگری حکم شده باشد. این در حالی است که در قانون جزای سابق، قانون‌گذار در عنوان از «شریک» یاد نموده، ولی در توضیحات، خصوصیات معاون را برای شریک ذکر کرده بود. هم‌چنین در تخصیص مجازات هم در حق معاون اجحاف شده و جزای معاون برابر با فاعل اصلی جرم پیش‌بینی گشته بود.

د) سازمان‌ده

(۱) سازمان‌ده شخصی است که گروه سازمان‌یافته جرمی را تشکیل، رهبری، هدایت یا سازمان‌دهی نماید.

(۲) سازمان‌ده به یک‌ونیم چند حداکثر مجازات جرم مرتکبه محکوم می‌گردد، مشروط بر این که مدت حبس از سی سال تجاوز ننماید.

۱۱. تعریف گروه سازمان‌یافته جرمی (ماده ۵۹)

(۱) گروه سازمان‌یافته جرمی عبارت است از تشکل منسجم سه نفر یا بیش از آن که به صورت منظم به هدف ارتکاب یک یا چند جرم جنایت یا جنحه، جهت حصول مستقیم یا غیر مستقیم منفعت فعالیت نماید.

(۲) مرتکبین جرایم سازمان‌یافته به حداکثر مجازات جرم مرتکبه، محکوم می‌گردند.

۱۲. بیان تفاوت آثار اسباب اباحت و موانع مسئولیت جزایی (ماده ۶۰)

(۱) هر گاه فاعل به دلیل اسباب اباحت مجازات نشود، شریک و معاون نیز مجازات نمی‌گردد.

(۲) در مواردی که فاعل جرم به دلیل وجود موانع مسئولیت جزایی مجازات نشود، این امر مانع مجازات شریک و معاون جرم نمی‌گردد.

این ماده قانون، درست در پیروی از این اصل حقوقی است که «شریک و معاون در موانع عینی مسئولیت جزایی از فاعل تبعیت می‌کنند، اما در موانع شخصی مسئولیت جزایی تبعیت نمی‌کنند»؛ زیرا موانع عینی به عمل مربوط می‌شوند، اما موانع شخصی به شخص. عمل یکی است و هرگونه آثار و پی‌آمدهایی که عمل فاعل داشته باشد، همان آثار بر عمل شریک و معاون جرم هم بار می‌شود، اما شخص دو تاست و ممکن است فاعل بنا بر عللی از مسئولیت جزایی معاف باشد، اما شریک یا معاون از آن معافیت بهره‌مند نباشد.

۱۳. شرح و توضیح مناسب و جداگانه احکام تعدد جرم و تکرار جرم (مواد ۷۱ تا ۸۱)

الف) تعدّد جرایم

یک) تعدّد مادی جرایم مرتبط (ماده ۷۱)

هر گاه ارتکاب جرایم متعدد در نتیجه افعال متعدد صورت گرفته باشد و تأمین هدف واحد، جرایم مذکور را طوری با هم جمع کرده باشد که تجزیه را قبول نکند، محکمه به جزاهای پیش‌بینی شده هر یک از جرایم حکم نموده و تنها به تنفیذ شدیدترین جزای محکوم‌بها تصریح می‌دارد. این امر مانع تنفیذ جزاهای تبعی، تکمیلی و اقدامات تأمینی نمی‌گردد.

دو) تعدّد محکومیت به جرایم مرتبط (ماده ۷۲)

شخصی که به سبب ارتکاب جرم به جزای خفیف محکوم شده باشد و بعداً به علت ارتکاب جرم مرتبط به آن به جزای شدیدتر محکوم گردد، در این صورت، جزای اخیر بالای وی تطبیق گردیده و مدت حبسی که از رهگذر محکومیت اولی سپری نموده، مجرا داده می‌شود.

سه) تعدّد مادی جرایم غیرمرتبط (ماده ۷۳)

شخصی که مرتکب دو جرم یا بیش از آن گردد و قبل از صدور حکم قطعی در مورد یکی از آنها، وحدت و هدفی که جرایم مذکور را با هم جمع کند، موجود نباشد، به جزاهای پیش‌بینی شده هر یک از جرایم مذکور محکوم می‌گردد و جزاهای محکوم‌بها یکی بعد از دیگری بالای وی تطبیق می‌شود، مشروط بر این که مجموع مدت حبس از سی سال تجاوز نکند.

چهار) تعدّد معنوی جرایم (ماده ۷۴)

هر گاه از ارتکاب فعل واحد، جرایم متعدد به وجود آید، مرتکب به جزای جرمی محکوم می‌گردد که جزای آن شدیدتر باشد. در صورتی که جزاهای پیش‌بینی شده مماثل هم باشند، محکمه به یکی از آنها حکم می‌کند.

پنج) تعدّد محکومیت به مجازات (ماده ۷۵)

هر گاه شخصی به اثر ارتکاب جرم محکوم گردیده باشد، بعداً به علت ارتکاب جرم دیگری که قبلاً مرتکب شده است، محکوم به جزا گردد و این جرایم با هم مرتبط نباشند، هر دو جزا یکی بعد از دیگری بالای وی تطبیق می‌گردد، گر چه مدت حبس از سی سال تجاوز نماید.

شش) تعدّد جزای نقدی و تدابیر تأمینی (ماده ۷۶)

جزای نقدی با رعایت حکم مندرج ماده ۱۴۷ این قانون و تدابیر تأمینی به هر اندازه‌ای که متعدد گردد، بالای محکوم علیه تطبیق می‌گردد.

ب) تکرر در جرم

یک. متکرر جرم (ماده ۷۷)

شخص زمانی متکرر جرم شناخته می‌شود که به اثر ارتکاب جنایت یا جنحه محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، مرتکب جنایت یا جنحه عمدی دیگری گردد.

دو. متکرر خاص (ماده ۷۸)

شخص زمانی متکرر خاص جرم شناخته می‌شود که به اثر ارتکاب جنایت یا جنحه محکوم به جزا گردیده و بعد از صدور حکم قطعی و قبل از اعاده حیثیت، مرتکب جنایت یا جنحه عمدی مماثل اولی گردد.

سه. جرایم مماثل (ماده ۷۹)

جرایمی که در یک باب در این قانون تصریح یافته است، جرایم مماثل شناخته می‌شود.

چهار. تکرر از بابت احکام صادره محاکم خارجی (ماده ۸۰)

حکم صادره محکمه دولت خارجی یا محکمه بین‌المللی در تکرر جرم قابل اعتبار نمی‌باشد، مگر این که حکم در مورد جرایم کشتار جمعی، جرایم علیه بشریت، جرایم جنگی، جرم تجاوز علیه دولت و جرم جعل پول مندرج این قانون، صادر شده باشد.

پنج. مجازات تکرر جرم (ماده ۸۱)

مجرم متکرر به مجازات ذیل محکوم می‌گردد:

۱) در جرایم متکرر خاص، مرتکب به مجازاتی که از یک و نیم چند حداکثر مجازات اصل جرم بیش‌تر نباشد.

۲) در جرایم متکرر عام، مرتکب به مجازات بیش از حداکثر مجازات اصل جرم.

۱۴. تعریف طفل و توضیح مسئولیت جزایی اطفال در مطابقت با اسناد بین‌المللی

(مواد ۹۳ تا ۱۱۲)

یک) تعریف طفل

طفل به شخصی اطلاق می‌گردد که هجده سال را تکمیل نکرده باشد.

دو) عدم مسئولیت جزایی طفل

طفلی که ۱۲ سال را تکمیل نکرده باشد، مسئولیت جزایی نداشته و دعوای جزایی علیه

وی اقامه نمی‌شود.

سه) حبز طفل دارای سن ۱۲-۱۶

طفلی که ۱۲ سال را تکمیل کرده و ۱۶ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ربع حداکثر مجازات که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده، محکوم نمی‌شود.

چهار) حبز طفل دارای سن ۱۶-۱۸

طفلی که ۱۶ سال را تکمیل کرده، اما ۱۸ سال را تکمیل نکرده باشد، در صورت ارتکاب جنایت، به بیش از ثلث حداکثر مجازاتی که برای عین جرم توسط اشخاص بزرگ‌تر از ۱۸ سال در این قانون تعیین گردیده است، محکوم نمی‌شود.

پنج) عدم محکومیت طفل به اعدام یا حبس ابد یا دوام

طفل به جزای اعدام، حبس ابد، حبس دوام و یا جزای نقدی محکوم نمی‌شود.

۱۵. آوردن اصلاحات اساسی در فهرست اسباب اباحت

اسباب اباحت در این کد به شرح ذیل بیان شده است:

۱) رضایت مجنی‌علیه؛

۲) ایفای وظیفه؛

۳) تعمیل امر آمر؛

۴) دفاع مشروع (مواد ۱۱۶ تا ۱۳۰).

در تعداد اسباب اباحت اشتباه و سهوالقلمی رخ داده؛ زیرا در فهرست اسباب اباحت چهار تا لیست شده است، اما وقتی به توضیحات می‌رویم، تعمیل امر آمر هم همان ایفای وظیفه دانسته شده است. به ماده ذیل توجه کنید:

تعمیل امر آمر (ماده ۱۱۹)

ارتکاب عمل جرمی در حالات آتی ایفای وظیفه شمرده می‌شود:

۱- در حالتی که از مأمور موظف مطابق به احکام قانون با داشتن حسن نیت در اثنای ایفای وظیفه صدور یافته باشد و یا این که عقیده نماید که اجرای آن از جمله صلاحیت‌های قانونی وی است.

۲- در حالتی که به موجب تعمیل امر مقامات ذی‌صلاحی که به اطاعت اوامر آنها به حکم قانون مکلفیت داشته باشد، صدور یافته باشد و یا این که عقیده داشته باشد که تعمیل امر مقامات ذی‌صلاح از جمله وجایب قانونی وی است.

پس در واقع، اسباب اباحت، در مقایسه با قانون جزای قبلی، از چهار مورد به سه مورد تنزل یافته است: رضایت مجنی علیه؛ ایفای وظیفه؛ دفاع مشروع. در مقابل، استعمال حق حذف شده است.

۱۶. انجام اصلاحات ضروری در فهرست جزاهای اصلی

در قانون مورد بحث، جزاهای اصلی به شرح ذیل نام برده شده‌اند: جزاهای اصلی دارای انواع ذیل می‌باشند: ۱ بدیل حبس؛ ۲ جزای نقدی؛ ۳ حبس؛ ۴ اعدام (ماده ۱۳۶).

شایان ذکر است که در میان مجازات‌ها، بدیل‌های حبس در افغانستان نسبتاً جدید و تازه به نظر می‌آیند و مناسب است که در این جا تفصیل آن‌ها ذکر شود.

جزاهای بدیل حبس (مواد ۱۳۷ تا ۱۵۷)

بدیل حبس، جزایی است که بالای مرتکب جرم به عوض حبس، به شکل رهایی مقید از طرف محکمه حکم می‌شود.

فرع اول

احکام عمومی بدیل حبس

الف) تعیین جزاهای بدیل حبس

جزاهای بدیل حبس با در نظر داشت نوعیت و خصوصیت جرم مرتکبه، شخصیت مرتکب، دفعات ارتکاب جرم، وضعیت مجنی علیه، نتایج ناشی از ارتکاب جرم و سایر جهات مخففه جرم تعیین می‌شود.

ب) انواع جزاهای بدیل حبس

جزاهای بدیل حبس عبارتند از: دوره مراقبت، انجام خدمات عامه، محرومیت از حقوق اجتماعی و حبس در منزل که در مطابقت با احکام این فصل اعمال می‌گردد.

ج) ساحه تطبیق جزاهای بدیل حبس

(۱) محکمه، مرتکب جرمی را که حداکثر جزای معین قانونی آن‌ها الی پنج سال حبس باشد، مطابق احکام این قانون به جزای بدیل حبس محکوم می‌کند.

(۲) محکمه مکلف است دلایل استفاده یا عدم استفاده از جزاهای بدیل حبس را مطابق حکم مندرج فقره (۱) این ماده در حکم خود ذکر نماید.

(۳) مرتکبین جرایم علیه امنیت داخلی و خارجی، تروریستی، تمویل تروریسم، تجاوز جنسی، فساد اداری و جرایم جنگی، ضد بشری، کشتار جمعی، تجاوز علیه دولت از

حکم مندرج فقره (۱) این ماده مستثناست.

د) ارتکاب جرم حین تطبیق جزاهای بدیل حبس

هر گاه محکوم علیه در مدت اجرای جزای بدیل حبس به اتهام جرم دیگری محکوم به حبس شود، باقی مانده جزای بدیل حبس پس از اتمام حبس محکوم بها تطبیق می گردد.

ه) عدم جواز استفاده از جزاهای بدیل حبس در صورت تخفیف

جرایمی که جزای معین قانونی آنها حبس بیش از پنج سال باشد، در صورت تخفیف جزا به کم تر از پنج سال، تعیین جزای بدیل حبس جواز ندارد.

و) مشخص ساختن مرجع نظارت کننده بدیل حبس

محکمه مکلف است در حکم خود، مرجع نظارت کننده از تطبیق جزای بدیل حبس را مشخص ساخته و وی را مکلف به اجرای آن سازد.

ز) طرز تطبیق جزای بدیل حبس

سایر موضوعات مربوط به طرز و شکل تطبیق و تنفیذ جزای بدیل حبس و شرایط چگونگی مراقبت و نظارت محکوم علیه توسط مقرر جداگانه تنظیم می گردد.

فرع دوم

دوره مراقبت

یک) موارد مراقبت

دوره مراقبت مدتی است که طی آن، محکمه، شخص متهم را با رعایت شرایط مندرج این فصل، حداکثر پنج سال به اجرای یک یا چند مورد از موارد ذیل محکوم می کند:

۱. اقامت در محل معین؛
۲. منع اقامت یا تردد در محل یا محلات معین؛
۳. ملزم ساختن به اشتراک در جلسات مشورتی ماهانه یا کم تر از آن؛
۴. حرفه آموزی یا گذراندن دوره های آموزشی و مهارتی؛
۵. مساعدت به مجنی علیه در جهت رفع یا کاهش آثار زیان بار مادی یا معنوی ناشی از جرم و کسب رضایت مجنی علیه؛
۶. حاضری دادن به دفتر پولیس یا مرجعی که محکمه تعیین می نماید؛
۷. ترک معاشرت با اشخاصی که محکمه معاشرت با آنها را برای محکوم علیه مضر تشخیص می دهد؛
۸. منع اشتغال به کارهای معینی که زمینه ارتکاب جرم را فراهم نماید؛

۹. الزام به فراگیری تعلیم و تربیه، آداب معاشرت خانوادگی و اجتماعی و پابندی به آن؛
۱۰. اقدام به درمان اختلال‌های روانی رفتاری و جسمانی.

دو) عدم رعایت حکم محکمه از طرف محکوم‌علیه

(۱) هر گاه محکوم‌علیه حکم محکمه را رعایت ننماید، محکمه می‌تواند برای بار اول، تا یک و نیم چند، دوره مراقبت وی را تمدید نماید.

(۲) هر گاه محکوم‌علیه از اجرای فیصله محکمه برای بار دوم خودداری نماید، محکمه صادرکننده حکم، مراقبت را لغو و مدت باقی‌مانده دوره مراقبت را به حبس تنفیذی تبدیل می‌نماید.

(۳) هر گاه محکوم‌علیه در جریان دوره مراقبت بار دیگر مرتکب جرم گردد، در این حالت، مرتکب به مجازات جرم جدید، محکوم و مدت باقی‌مانده دوره مراقبت به حبس تنفیذی تبدیل می‌گردد.

سه) کاهش دوره مراقبت

هر گاه وضعیت محکوم‌علیه نشان‌دهنده اصلاح رفتار وی باشد، محکمه می‌تواند صرف برای یک بار، دوره مراقبت را حداکثر تا نصف آن کاهش داده یا از برخی دساتیر صادرشده دیگر صرف نظر کند.

چهار) چگونگی مراقبت و نظارت بر محکوم‌علیه

(۱) محکمه با در نظر داشت نوع جرم مرتکبه و شخصیت محکوم‌علیه، چگونگی مراقبت و نظارت بر محکوم‌علیه را مشخص می‌نماید.

(۲) محکوم‌علیه مکلف است از تغییر شغل، محل اقامت دائمی و جابه‌جایی خود در محل دیگر، مرجع نظارت‌کننده از تطبیق حکم را اطلاع دهد.

فرع سوم

انجام خدمات عامه

یک) خدمات عامه

(۱) خدمات عامه عبارت از کاری است که مرتکب جرم به انجام آن به نفع جامعه با دریافت قسمی مزد و یا بدون آن محکوم می‌گردد.

(۲) محکمه، مرتکب جرم را با نظر داشت نوع جرم، سن، جنس، توانایی جسمی یا روانی، شغل، مهارت و وضع اقتصادی و اجتماعی وی، مکلف به انجام خدمات عامه می‌سازد.

- (۳) در تعیین مجازات خدمات عامه، اخذ رضایت محکوم علیه حتمی می‌باشد.
- (۴) شخص زیر ۱۵ سال، به انجام خدمات عامه رایگان محکوم شده نمی‌تواند.
- (۵) محکمه میزان خدمات عامه را با تناسب درجه شدت و خفت جرم مرتکبه و شخصیت مرتکب تعیین می‌نماید.

دو) میزان ساعات انجام خدمات عامه

مجموع اندازه خدمات عامه به ساعت تعیین می‌گردد و میزان ساعات انجام خدمات عامه حداقل ۴ ساعت و حداکثر ۸ ساعت در یک شبانه روز می‌باشد.

سه) رعایت شرایط و ضوابط کار حین انجام خدمات عامه

محکمه مکلف است حین حکم به خدمات عامه قوانین و مقررات مربوط به شرایط ویژه کار زنان و نوجوانان، بهداشت کار، ضوابط کارهای دشوار، ثقیل و مضر صحت را رعایت نماید.

چهار) تعلیق یا تبدیل خدمات عامه

محکمه می‌تواند بر اساس تقاضای محکوم علیه، وکیل مدافع یا سارنوال، نظر به وضع جسمانی و نیاز به خدمات صحی یا مشکلات خانوادگی محکوم علیه، انجام خدمات عامه را به طور مؤقت حداکثر تا سه ماه در طول دوره محکومیت، تعلیق کرده یا آن را به سایر جزاهای بدیل حبس تبدیل نماید.

پنج) خودداری از انجام خدمات عامه

هر گاه محکوم علیه بدون عذر مؤجه، از انجام خدمات عامه یا از شرایط مقرر برای انجام کار تخلف ورزد، بار اول، حداکثر تا ۸۰ ساعت، در ساعات‌های انجام خدمات عامه وی افزود می‌گردد. در صورت تکرار، محکمه می‌تواند بر اساس پیشنهاد سارنوال، مدت خدمات عامه باقی مانده وی را به حبس تبدیل نماید. در این صورت، محکوم علیه در برابر هر ۸ ساعت از ساعات باقی مانده، یک شبانه روز زندانی می‌شود.

فرع چهارم

محرومیت از حقوق اجتماعی

محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج در این فصل، محکوم علیه را که مستوجب جزای حبس قصیر باشد، برای مدت معین از یک یا بیش از یک حق اجتماعی من حیث جزای بدیل حبس قرار ذیل محروم کند:

۱. تنزیل یک رتبه یا درجه؛

۲. کسر یک سوم معاش برای یک سال؛
۳. انفسال موقت از مشاغل دولتی و خدمت در مؤسسه‌ها و نهادهای عمومی غیردولتی با توجه به جرم ارتكابی از شش ماه تا دو سال؛
۴. منع از اشتغال به شغل یا کسب یا حرفه معین در صورتی که جرم مربوط به شغل وی باشد، تا یک سال؛
۵. محرومیت از دریافت جواز فعالیت شغل معین از یک تا سه سال؛
۶. محرومیت از عضویت در هیئت مؤسس و هیئت مدیره شرکت‌های تجارتي، بانک‌ها و مؤسسه‌ها یا محرومیت از مدیریت عامل تا یک سال؛
۷. محرومیت از معامله با ادارات دولتی یا مؤسسه‌های غیر دولتی یا شرکت در مزایده و مناقصه از یک تا پنج سال؛
۸. محرومیت از رانندگی از شش ماه تا سه سال؛
۹. مسدود کردن حساب‌های معین یا محرومیت از افتتاح حساب جاری و یا محرومیت از دریافت تسهیلات و اعتبارات بانک‌ها و سایر مؤسسه‌های مالی از یک تا سه سال؛
۱۰. محرومیت از حمل سلاح برای افراد مجاز دارنده سلاح تا دو سال؛
۱۱. اخراج اتباع بیگانه از کشور و منع ورود مجدد آن‌ها به افغانستان از یک تا پنج سال؛
۱۲. منع خروج اتباع افغانی از کشور از شش ماه تا یک سال.

فرع پنجم

حبس در منزل

- (۱) محکمه می‌تواند با رعایت شرایط مندرج این فصل، محکوم‌علیه را که مستوجب جزای حبس تا دو سال باشد، به سپری نمودن حبس وی در منزل حکم نماید.
 - (۲) محکوم به حبس در منزل نمی‌تواند از منزل خارج شود، مگر به اجازه محکمه غرض انجام امور ضروری.
 - (۳) مدت حبس در منزل از شش ماه تا دو سال می‌باشد.
 - (۴) حضور محکوم‌علیه در منزل، از طریق وسیله الکترونیکی که در مرکز نظارت بر تطبیق جزایهای بدیل حبس وجود دارد یا توسط مددگار اجتماعی کنترل می‌گردد.
 - (۵) هر گاه محکوم‌علیه شرایط حبس در منزل را که قبلاً در حکم محکمه تصریح شده است، رعایت نکند، این جزا به حبس در محبس تبدیل می‌گردد.
- در بخش حقوق جزای اختصاصی هم جرایم ذیل از نوآوری‌های این کد جزایی است

که جرم‌انگاری شده‌اند. البته برخی از آن‌ها برای اولین بار در این سند تقنینی آمده‌اند و برخی دیگر از قوانین پراکنده موجود جمع‌آوری شده و به صورت هماهنگ و یک‌جا در یک سند قانون‌گذاری شده‌اند. این جرایم عبارتند از:

۱. جرایم تروریستی و حمله انتحاری؛
۲. تمویل تروریسم؛
۳. قاچاق مواد مخدر؛
۴. جرایم مواد هسته‌ای؛
۵. جرایم علیه بشریت، نسل‌زدایی، جرایم جنگی و تجاوز علیه دولت؛
۶. جرایم فساد اداری و مالی، سوء استفاده از نفوذ و سوء استفاده از وظیفه و افزایش غیر قانونی دارایی؛
۷. جرایم انتخاباتی؛
۸. جرم شکنجه؛
۹. جرایم علیه تطبیق عدالت، امتناع یا تعلل قاضی از اصدار حکم و تخلفات وظیفوی سارنوال؛
۱۰. جرایم سازمان‌یافته: شامل پول‌شویی، قاچاق انسان و قاچاق مهاجران؛
۱۱. جرایم مربوط به اسلحه ناریه، مهمات و مواد منفجره؛
۱۲. جرم اختطاف؛
۱۳. جرایم نقض حقوق طفل؛
۱۴. تجاوز جنسی، قوادی، مساحقه یا تفخیز، خشونت علیه زن، آزار و اذیت زنان و اطفال، بچه‌بازی و رقصانیدن طفل؛
۱۵. جرایم مسکرات؛
۱۶. غصب زمین و اموال غیر منقول؛
۱۷. جرایم علیه آثار تاریخی یا فرهنگی؛
۱۸. تجاوز بر حقوق ملکیت‌های فکری؛
۱۹. جرایم تجارتي و جرایم مربوط به افلاس؛
۲۰. قاچاق اموال؛
۲۱. جرایم علیه معادن، نفت و گاز؛
۲۲. جرم احتکار؛

۲۳. جرایم محیط زیستی؛
 ۲۴. جرایم مربوط به جنگلات؛
 ۲۵. جرایم مربوط به آب و زمین داری؛
 ۲۶. جرایم سایبری؛
 ۲۷. جرایم مربوط به مسافرت و اقامت؛
 ۲۸. جرایم مربوط به صحت عامه؛
 ۲۹. جرایم مربوط به زراعت و حیوانات؛
 ۳۰. جرایم ثبت احوال نفوس؛
 ۳۱. جرایم مربوط به تلفن و سیم کارت؛
 ۳۲. جرم تمرد از قوانین.

ب) نکات ضعف

یک) متأسفانه ماده ۲ این قانون مانند قانون جزای گذشته، مشکل جرایم حدود، قصاص و دیات را حل نکرده و این جرایم را به فقه حنفی حواله داده است که این مطلب خلاف اصل قانونی بودن جرم و جزاست. به ماده مذکور توجه کنید:

(۱) این قانون جرایم و جزاهای تعزیری را تنظیم می‌نماید.

(۲) مرتکب جرایم حدود، قصاص و دیت مطابق احکام فقه حنفی شریعت اسلام مجازات می‌گردد.

دو) این کد جزایی احکامی راجع به جرم‌انگاری و منع شکنجه دارد، در حالی که در همین اواخر، «قانون منع شکنجه» به طور جداگانه به تصویب رسیده است. این امر خلاف اصول قانون‌گذاری و خلاف هدف از تصویب کد واحد جزایی است؛ زیرا قانون‌گذاری افغانستان از دید جهانیان زیر سوال می‌رود؛ به این توضیح که یک کشور تمامی پیام‌های قانونی خود را در یک متن واحد، یک‌باره و یک‌جا بیان می‌کند. این که ما راجع به یک موضوع، دو قانون داشته باشیم، اگر در هر دو قانون عین حرف‌هایی را بیان کرده باشیم، از دید ناظران بین‌المللی، ملتی دیده می‌شویم که حرف‌های تکراری می‌زنیم و تکرار از نظر ادبا و منطقیین لغو است و بر عکس، هر گاه در دو قانون، مطالبی متفاوت راجع به موضوع گفته باشیم، بیم آن می‌رود که مواد قانونی ما با همدیگر متناقض باشند. این امر از یک سو، مسئولان اجرای این قوانین را در عمل دچار مشکل می‌سازد و از سوی دیگر، از دید مردم دنیا، ملتی متناقض دانسته خواهیم شد که در یک‌جا یک حرف

می‌زند و جایی دیگر سخنی دیگر می‌گوید.

سه) هم‌چنین از آخرین تغییری که در آخرین روزهای پیش از نشر این قانون در آن رخ داد، این بود که «جرایم خشونت علیه زنان» از آن بیرون کشیده شد. این کار هم ضربه دیگری بود که بر پیکر قانون جزا زده شد و آن را از رسیدن به کد واحد جزایی به معنای واقعی کلمه باز داشت. نگارنده نمی‌داند که این کار بر اساس چه مصلحت‌سنجی‌هایی صورت گرفته است، اما از دید مسلکی، هیچ بهانه‌ای نمی‌تواند آن را توجیه کند؛ چون خارج کردن جرایم و جزاهای خاص از کد جزایی، به بهانه‌های مختلف، تمامی زحمات چندساله برای تهیه این قانون و بودجه‌های خرج شده را هدر می‌دهد و مردم افغانستان را از دستیابی به کد جزایی واحد که در آن، همه جرایم و مجازات‌ها در یک متن مشخص جمع‌آوری شده باشند، محروم می‌کند.

چهار) هنوز زود است که در مورد این سند تقنینی بیش از حد ذوق‌زده و خوشحال باشیم؛ زیرا نگرانی‌هایی وجود دارد که در تشریح عناصر برخی از جرایم هنوز هم ابهام‌هایی به نظر می‌رسد و ممکن است در عمل، شهروندان و مراجع عدلی قضایی را با دشواری مواجه سازد. آینده، این امر را بیش‌تر واضح خواهد ساخت.

نتیجه‌گیری

تدوین کد واحد جزایی، گامی اساسی برای رسیدن به حاکمیت قانون و تطبیق عدالت در افغانستان به شمار می‌رود. این قانون غالب احکام جزایی را در یک مجموعه گرد آورده و در سندی واحد جرم‌انگاری کرده است. جدیدترین جرایم که بر اثر فن‌آوری‌های عصر بروز کرده‌اند، در این متن جا داده شده‌اند. اصول راهبردی حقوق جزا در آن منعکس شده است؛ جنایات بین‌المللی که سال‌ها مردم افغانستان قربانی آن بوده‌اند، در آن گنجانده شده و جرایم انتخاباتی که در چندین دوره انتخابات ما را با چالش مواجه ساخته است، در آن شناسایی شده‌اند. جرم، مجازات، مجنی‌علیه و احکام مسئولیت جزایی نیز در آن به خوبی تعریف و تشریح گردیده‌اند. بدیل‌های حبس به طور مشروح بیان شده و جرایم علیه اطفال، اذیت و آزار اطفال و زنان در آن جای داده شده‌اند. امید است این قانون بتواند در عمل هم به خوبی اجرا شود و باعث تأمین عدالت در کشور گردد.